

سرکوب مطبوعات در ایران

۱۴ مهر - سه روزنامه در ایران توقیف شدند. هیات نظارت بر مطبوعات وزارت ارشاد در تهران دستور لغو امتیاز آشتی ملی و آرمان را صادر کرده است. آشتی ملی برای دومین بار است که توقیف می شود. و بعد از لغو توقیف این روزنامه از سوی دادگاه از سه ماه پیش بازانتشار خود را آغاز کرده بود. آرمان با شکل جدید در استانه انتشار پنجاهمین شماره خود بود. روزنامه تحلیل روز شیراز نیز به دستور هیات نظارت بر مطبوعات توقیف شد. روزنامه تحلیل روز نشریه پرخواننده و حرفه ای بود.



هفت مدافع تغییر در بازداشتگاه اوین

آمنه کرمی-11 مهر 1388

هنگامه شهیدی	شبثم مددزاده	فریبا پژوه	آذر منصوری

مدرسه فمینیستی؛ وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری، و اعتراض مسالمت آمیز میلیونها زن و مرد ایرانی نسبت به نتایج اعلام شده از سوی وزارت کشور، شهروندان بسیاری را که خواهان احقاق حقوق شهروندی و خوانده شدن رای خود بودند به زندان محکوم کرد. در میان زندانیان، شماری از زنان و دختران معترض نیز حضور داشته و برخی از آنان همچنان در زندان به سر می برند. از میان زنانی که روانه زندان شدند: برخی از آن ها را به واسطه فعالیت های اجتماعی پیشین شان می شناختیم و برخی از آن ها را به واسطه حضور پر نشاط شان در صحنه اعتراض های اخیر.

هفت تن از زنانی که خبر زندانی شدن شان به نحوی به رسانه ها و سایت های خبری رسیده، امروز در زندان اوین به سر می برند؛ آذر منصوری، هنگامه شهیدی، فریبا پژوه، عاطفه نبوی، کبرا زاغه دوست و زهرا جباری که در وقایع پس از انتخابات بازداشت شده اند و شبنم مددزاده که از مدتها پیش از وقایع انتخابات در زندان اوین به سر می برد. این هفت زن مدافع تغییر همگی شان بلاتکلیف و در «بازداشت موقت» هستند. هرچند زنان دیگری نیز همچون «عالیه اقدام دوست» هستند که از ماه ها و سال ها قبل در زندان اوین بسر می برند، البته نه در بازداشت و نه در وضعیت بلاتکلیف، بلکه «دوره محکومیت» خود را سپری می کنند.

آذر منصوری از جمله ی زنان فعال و مدافع تغییر است که در روز سی و یکم شهریور ماه 1388 بازداشت و روانه زندان شد.

آذر منصوری قائم مقام دبیرکل جبهه مشارکت ایران اسلامی است که همچون بسیاری دیگر از اعضای ارشد این حزب راهی زندان شده است. به گزارش وب سایت نوروز: این عضو ارشد حزب مشارکت در سلول انفرادی و در بند 209 زندان اوین نگهداری می شود. مهندس آذر منصوری معاون سیاسی دبیرکل جبهه مشارکت پس از ده روز، سه شنبه شب با منزل خود تماس گرفت. به گزارش نوروز، این عضو حزب مشارکت در این تماس تلفنی با مادر و خواهر خود صحبت کرد و از سلامت خود خبر داد. به گفته خانواده منصوری حال عمومی او خوب به نظر می رسیده است.

مهندس آذر منصوری که در شهرستان ورامین زندگی می کند هفته گذشته، درحالی که از منزل خواهر خود باز می گشت در خیابان از سوی ماموران متوقف و بازداشت شد. ماموران پس از تفتیش خانه معاون سیاسی دبیرکل جبهه مشارکت، هارد کامپیوتر و برخی دیگر از وسایل او را ضبط و با خود بردند.

فریبا پژوه روزنامه نگار و وبلاگ نویس مدافع تغییر روز اول ماه رمضان 31 مرداد در منزل پدری اش توسط مامورین وزارت اطلاعات بازداشت می شود. ماموران کامپیوتر شخصی وی را نیز با خود می برند.

فریبا پژوه روزنامه نگار و وبلاگ نویس در نخستین روز ماه رمضان، لحظاتی قبل از افطار در منزل پدری اش توسط مامورین وزارت اطلاعات دستگیر شد. مامورین ابتدا منزل پدری و بعد منزل خودش را بازرسی می کنند بعد از صورت جلسه کامپیوتر و وسائل شخصی وی را با خود می برند. از آن زمان تا کنون این روزنامه نگار سه تماس کوتاه در

تاریخ یکم، دهم و شانزدهم شهریور با خانوادگی خود داشته است.

پدر فریبا پژوه سرهنگ بازنشسته نیروی هوایی بسیار نگران فرزندش است. وی در مورد آخرین وضعیت پروندگی دخترش می گوید: «امروز بیستمین روزی بود که فریبا در انفرادی به سر برد، انفرادی یعنی مصداق کامل شکنجه روانی، یعنی نقض حقوق بشر. نمی دانید که چه قدر دلام خون است. روز سه شنبه با اینکه خودم در شرایط جسمانی مناسبی نیستم، بدون اینکه به کسی چیزی بگویم به داد سرای انقلاب، نزد باز پرس پرونده اش رفتم تا خواهش کنم هر طور که می تواند فرزندم را از انفرادی نجات دهد. اما توفیقی به دست نیاوردم...»

فریبا پژوه خبرنگار سابق روزنامه اعتماد ملی و خبرگزاری ایلنا و عضو کنفدراسیون بین المللی روزنامه نگاران هم اکنون در بند 209 زندان اوین و در سلول انفرادی است. فریبا پژوه نویسنده و بلاگ «پس از باران» است که در آن دیدگاه های خود را در مورد مسائل مختلف می نوشته است.

خانواده فریبا پژوه به شدت از این که فرزندشان در سلول انفرادی است نگران هستند. علت این نگرانی زیاد را آقای پژوه پدر فریبا (که مدت 68 ماه در دوران جنگ در جبهه ها خدمت کرده) چنین ابراز می کند: «فریبا سال گذشته 3 ماه تحت درمان دارویی برای بیماری افسرده گی بوده است، البته این بیماری در جامعه ما به خصوص در زنان بسیار شایع است. ولی تداوم بازداشت در انفرادی می تواند برای وضعیت روحی وی بسیار نگران کننده باشد. تحمل این که فریبا انفرادی باشد برایمان بسیار سخت است. من سرهنگ باز نشسته نیروی هوایی هستم که مدت 68 ماه هم با صداقت در جبهه جنگ دوران دفاع مقدس انجام وظیفه کرده ام. یادم می آید که با شروع جنگ مدت ها فریبا را ندیده بودم به طوری که او مرا نمی شناخت و به پدر بزرگش می گفت بابا. حالا تحمل این دوری برایم بسیار سخت است. ای خدا مهربان دریاب بنده گان بی پناهت را...»

هنگامه شهیدی، روزنامه نگار، عضو حزب اعتماد ملی و عضو ستاد انتخاباتی مهدی کروبی از تاریخ 9 تیر ماه 1388 دستگیر شده و تا کنون در زندان اوین در بازداشت موقت است!

وضعیت روحی و جسمی هنگامه شهیدی، روزنامه نگار بازداشتی، در زندان اوین مناسب نیست. بنابر اخبار رسیده به واحد زندانیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، هنگامه شهیدی که چندی پس از

برگزاری انتخابات در ایران، بازداشت شد با وضعیت بد جسمی در زندان روبه‌رو است به طوری‌که روزانه تعداد زیادی قرص و دارو به عنوان آرام‌بخش برای او تجویز شده است، اما با این وجود حتی از خواب راحت در شب نیز برخوردار نیست.

این عضو حزب اعتماد ملی و دانشجوی دکترای حقوق بشر در دانشگاه SOAS که در طول دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز مشاور امور بانوان ستاد انتخاباتی مهدی کروبی بوده، در طول چند ماه حبس خود، در هفته تنها سه بار و آن هم به مدت بیست دقیقه برای هواخوری اجازه دارد، که این امر موجب ناراحتی‌های ناشی از کمبود آفتاب برای وی نیز شده است.

عاطفه نبوی، در تاریخ 25 خرداد ماه 1388، به همراه پسرعموی خود ضیاء الدین نبوی، سخنگوی شورای دفاع از حق تحصیل، و تعداد دیگری از دوستانش بازداشت، و به بند 209 زندان اوین منتقل شد.

عاطفه نبوی از روز شنبه هفته گذشته از بند 209 به قرنطینه زندان اوین معروف به بند متادون، منتقل شده و هم اکنون با وجود گذشت 105 روز از بازداشت وی، همچنان در بلاتکلیفی به سر می برد. به گفته نسرين ستوده، وکیل عاطفه، پرونده او به شعبه 12 دادگاه انقلاب ارجاع داده شده و قاضی این شعبه نیز به مدت 3 هفته به مرخصی رفته است.

عاطفه نبوی، در مدت بازداشت خود چندین بار مورد بازجویی قرار گرفته و از آنجا که با شورای دفاع از حق تحصیل نیز همکاری هایی داشته به "ارتباط با سازمان مجاهدین خلق" متهم شده است. اما با وجود فشارهای شدید وارده، نبوی این اتهام را نپذیرفته و آن را بی پایه و اساس دانسته است. وی در سال 84 نیز، به مدت سه هفته در بند 209 زندانی بوده است. خانواده عاطفه از شرایط بد زندان و بلاتکلیفی دخترشان به شدت نگران هستند. بیش از 105 روز که از زندانی شدن دخترشان سپری شده و با مراجعه مکرر به دادگاه؛ هنوز پاسخ روشنی دریافت نکرده اند.

گفتنی است که در مهرماه امسال نامه ای که عاطفه نبوی در بند 209 نوشته توسط «کمیته گزارشگران حقوق بشر» انتشار یافته و در اختیار عموم قرار گرفته است.

شب‌نم مددزاده، نایب دبیر دفتر تحکیم وحدت در روز اول اسفند ماه سال گذشته، بازداشت شد. او بیش از 7 ماه است در بازداشت موقت بسر

می برد.

شب‌نم مددزاده، نایب دبیر شورای تهران دفتر تحکیم وحدت در روز یکم اسفند ماه 1387، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به زندان اوین منتقل شد. وی پس از گذراندن بیش از 70 روز در سلول انفرادی، به بند عمومی 209 زندان اوین منتقل شد.

با گذشت نزدیک به هشت ماه که از بازداشت موقت شب‌نم مددزاده سپری شده و به رغم صدور قرار وثیقه، اما دستگاه امنیتی با آزادی وی همچنان مخالفت کرده است. شب‌نم طی روزهای اخیر همراه با تعداد دیگری از زندانیان دیگر به قرنطینه نسوان زندان اوین موسوم به بند متادون انتقال یافته است. لازم به ذکر است که نامه ای که توسط این دانشجوی زندانی از قرنطینه زندان اوین نگارش یافته، به وسیله «کمیته گزارشگران حقوق بشر» در وب سایت این کمیته منتشر و در اختیار عموم قرار گرفته است.

کبری زاغه دوست و همسرش اشکان اسکندری، که در جریان مراسم چهلم شهدای حوادث پس از انتخابات توسط مأموران وزارت اطلاعات در بهشت زهرا بازداشت شدند، با وجود گذشت دو ماه همچنان در بند 209 زندان اوین و در شرایط بلاتکلیفی به سر می‌برند.

کمیته گزارشگران حقوق بشر: کبری زاغه دوست و همسرش اشکان اسکندری، که در جریان مراسم چهلم شهدای حوادث پس از انتخابات توسط مأموران وزارت اطلاعات در بهشت زهرا بازداشت شدند، با وجود گذشت دو ماه همچنان در بند 209 و در شرایط بلاتکلیفی به سر می‌برند.

گفته می‌شود، اشکان اسکندری پس از بازداشت و به محض ورود به بند 209، شعارهایی علیه محمود احمدی نژاد سر داد که موجب ضرب و شتم شدید وی از سوی مأموران و نگهبانان بازداشتگاه شد. وی همچنین از زمان بازداشت تاکنون در سلول انفرادی نگهداری می‌شود و با وجود وضعیت نامناسب روحی و روانی، از انتقال او به بند عمومی جلوگیری می‌شود. طبق اخبار رسیده، وی در چندین نوبت به شدت از سوی بازجویان و نگهبانان بند مورد ضرب و شتم قرار گرفته است، به طوریکه در اثر شدت جراحات وارده، وی روز گذشته از بند 209 به بیمارستان طالقانی تهران انتقال یافت و مورد مداوا قرار گرفت.

اخبار رسیده حاکی است، اشکان اسکندری به صورت مستمر و هر روزه، با فریاد و گریه، خواهان انتقالش به سلول های عمومی می‌شود، با

این حال تاکنون، درخواست های متعدد او و همسرش مورد بی توجهی قرار گرفته است.

شمار بازداشت شدگان ماههای گذشته در تهران به صورتی است که هم اکنون بندهای امنیتی زندان اوین از جمله بند 209، 240 و بند 2 - الف با کمبود مکان برای نگهداری زندانیان مواجه شده اند. بسیاری از افرادی که در جریان تجمعات و اعتراضات بازداشت شده اند، طی این مدت به بندهای عمومی زندان اوین انتقال یافتند. اکثریت افراد بازداشت شده در تجمعات، پس از سپری کردن چند هفته در زندان با قرار وثیقه آزاد شده اند، با این وجود، ادامه نگهداری کبری زاغه دوست و اشکان اسکندری با توجه به عدم وابستگی حزبی و سیاسی آنان، موجبات تعجب و اعتراض خانواده شده است.

زهره جباری در راهپیمایی روز قدس در حالی که ناخن پایش در حین بازداشت شکسته شد دستگیر و روانه سلول انفرادی بند 209 زندان اوین شد

زهره جباری یکی دیگر از زنان بازداشتی است که در بند 209 زندان اوین به سر می برد. زهره جباری در راهپیمایی روز قدس بازداشت شد. زمانی که نیروهای امنیتی او را بازداشت می کردند، ناخن یکی از انگشتان پایش شکست.

او را از همان روزهای اول به سلول انفرادی بند 209 منتقل کردند. به گفته خانواده زهره جباری او به خاطر بلاتکلیفی اش در زندان 5 روز است که در اعتصاب غذا بسر می برد.

همزمان با آزادی خواهان جهان در ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه حکم اعدام؛

به این عمل ضد بشری اعتراض نمائیم!
جمعیت پشتیبانی از جنبش دموکراسی خواهی مردم ایران — برلین

جان شیرین انسان، هدیه ایست که هستی، تنها و تنها یکبار در اختیار انسان می گذارد. از تولد تا مرگ. برای همین است که جان آدمی ارزشمندترین پدیده هستی است. و امروز بشریت برای هرچه شیرین تر گذراندن و نیز طولانی تر نمودن آن می کوشد.

در این میان اگر چه مرگهای زودرس بر اثر تصادفات، بیماری و بلاهای طبیعی، این فرصت را از آدمی می ستاند. اما آنچه دریغ و درد را به جان انسان می نشانند، ستاندن جان آدمی توسط آدمهای دیگر در غالبهای گوناگون و در زشت ترین آن یعنی اعدام یک انسان است.

هم میهن !

اعدام پدیده ای است که در نظام جمهوری اسلامی با شدت بیشتری رواج پیدا کرده است ، پدیده ای که از بدو به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، توسط سران نظام سازماندهی و در قوانین آن تثبیت شده و به اجرا درآمده است. و متأسفانه اعدام های دسته جمعی و اعدام جوانان، علیرغم تمامی مخالفت های نیروهای ترقی خواه ایرانی و بین المللی، پدیده نادری نمی باشد. جمهوری اسلامی در آخرین اقدام خود، با بی شرمی تمام در آستانه ۱۰ اکتبر، برای ۷ نفر از هموطنان عرب زبان مان حکم اعدام صادر کرده است.

آنها اگر چه در تمامی عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رتبه ایران را در جهان به پائین ترین درجه سوق داده اند، ولی در عرصه اعدام، زندان و تجاوز به حقوق بشر بحق در رتبه اول قرار گرفته اند؛

از نظر ما و طبق قوانین حقوق بشر اعدام انسانها همواره و در هر رژیم محکوم است.

هموطنان؛ در هرکجا که هستید و به هر شکل که می توانید، صدای اعتراضات خود را علیه اعدام بلند کرده و با تمام توان بکوشیم تا دیگر در کشورمان ایران جان انسانی با اعدام گرفته نشود.

جمعیت پشتیبانی از جنبش دموکراسی خواهی مردم ایران — برلین ؛

۷ اکتبر ۲۰۰۹

بیانیه کانون صنفی معلمان به مناسبت روز جهانی معلم:



معلمان دربند را آزاد کنید

چهارشنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۸ - ۰۷ اکتبر ۲۰۰۹

کانون صنفی معلمان ایران، ضمن تبریک "روز جهانی معلم" به همه ی فرهنگیان جهان و تجدید عهد و پیمان خویش با همکاران فرهنگی، باردیگر بر مطالبات و خواسته های زیر تأکید نموده و اجرای آن را از مسئولان و دست اندرکاران مملکتی موکدا خواستار است:

1. آزادی بی قید و شرط همکاران فرهنگی دربند: رسول بدای، هاشم خواستار، فرزاد کمانگر، عبدالله مومنی، جعفرابراهیمی، محمد داوری و...
2. مختومه شدن تمامی پرونده هایی که از سال 78 تاکنون در شعب مختلف دادگاه ها و دادرها بر علیه فعالان صنفی تشکیل شده و اعاده تمامی حقوق تضییع شده آنان.
3. رفع محدودیت از فعالیت همه ی نهادهای مدنی دانشجویان، حقوق زنان، کارگران، حقوقدان، روزنامه نگاران و... بویژه کانون ها ی صنفی معلمان سراسر کشور.

نام خداوند جان و خرد

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران به مناسبت روز جهانی معلم
همکاران گرامی

همانگونه که می دانید در سال 1994 میلادی، روز پنجم اکتبر، برابرسیزدهم مهرماه، از سوی سازمان یونسکو، "روز جهانی معلم" (World Teachers' Day) نامگذاری گردید. هرچند این روز، در نظام جمهوری اسلامی به عنوان روز جهانی گرامیداشت مقام معلم، به رسمیت شناخته شده است، اما سال ها است نه تنها از سوی هیچ نهاد و ارگانی رسمی از جمله آموزش و پرورش، پاس داشته نمی شود متأسفانه حتی در تقویم رسمی کشور نیز به آن کمترین اشاره ای نگردیده و نمی گردد! روزی که بی گمان در سرمشق و الگوی پدیده ی نوین "جهانی شدن" معنا و مفهوم می یابد، همان پدیده ای که نشان و خبراز جهانی همبسته و همپیوند می دهد.

جهانی کوچک که در آن به سختی می توان از دانشی بومی و حقیقتی محلی

سخن گفت. دنیایی که در آن اندیشه و تفکر جهانی، همچون فن آوری فراگیر آن؛ روز به روز در اجتماع و سیاست و فرهنگ نیز پا به پیش می‌گذارد و سخن از آموزه‌های بومی این حیطه‌ها را دشوارتر می‌سازد. گویا در چنین بستر و زمینه‌ای است که وقتی از "روز جهانی معلم" سخن گفته می‌شود، حساسیت و مقاومت‌های بسیاری را برمی‌انگیزد، آنچنان که حتی از کمترین اشاره‌ای به این روز دریغ می‌گردد.

روز جهانی معلم، اشاره‌ای است به معلم و آموزش و پرورش جهانی. معلم جهانی، آموزشگری است با نگاه و اندیشه‌ای فراگیر، خردمند، آگاه و آشنا به حقوق خویش، که دانش آموزش را نیز، به همین الگوتریت می‌کند. کسی که از اندیشه و نگرشی نقاد و جست‌وجوگر برخوردار است. حقوق بشر، حقوق شهروندی و دیگر ارزش‌های زندگی نوین را می‌شناسد و ستایشگر آزادی انسان است. صلح طلب و آرامش‌جوست و به آدمی با هر نژاد و رنگ و آیینی احترام می‌گذارد و عشق می‌ورزد. انسانی خردگرا که به آسانی زیر بار اندیشه‌های جزمی نرفته، رام و پیرو آنها نمی‌شود.

روز جهانی معلم، همچنین اشاره‌ای به آموزش و پرورش نوین است. نظامی که سمت و سوی آن رو به دموکراسی است و در آن دامن‌های اختیارات معلم، گسترده و فراگیر است. به ویژه در مقایسه با نظام آموزشی سنتی، معلم به مراتب از فضای آزاد بیشتری برخوردار است. چنین نظامی، همچنین در تعیین هدف‌های خویش، علمی و مستقل عمل می‌کند و خود را ابزاری در دست ایدئولوژی و سیاست حاکم نمی‌بیند و نمی‌گذارد. پرورش ذهن و تربیت جان و روان دانش‌آموز را، اسیر نگاه و نگرش تنگ‌بینانه جاهلانه نمی‌کند. نظام پرورشی نوین، اخلاق مدار و اخلاق‌گراست اما، نه اخلاقی بومی و محلی، بلکه اخلاقی جهانی. اخلاقی مبتنی بر: "فرهنگ همبستگی و برابری اجتماعی و اقتصادی، فرهنگ عدم خشونت، فرهنگ بردباری و راستگویی، فرهنگ حقوق برابر برای جمیع انسان‌ها". بهر حال، اگر پیام روز جهانی معلم، نشانی است از چنین آموزه و ارزش‌هایی، آیا می‌توان پذیرفت جای فعال فرهنگی آن، زندان باشد؟ آیا می‌توان معلمی اینچنین را به شلاق محکوم نمود که چرا به احقاق حق خویش و جامعه، برخواسته است؟ آیا چنین نظامی، نباید در مرتبه و جایگاه محوری سیاستگذاری‌ها بنشیند؟

در پایان، کانون صنفی معلمان ایران، ضمن تبریک "روز جهانی معلم" به همه‌ی فرهنگیان جهان و تجدید عهد و پیمان خویش با همکاران فرهنگی، باردیگر بر مطالبات و خواسته‌های زیر تأکید نموده و اجرای آن را از مسئولان و دست‌اندرکاران مملکتی موکداً خواستار است:

1. آزادي بي قيد و شرط همکاران فرهنگي دربند: رسول بذاقي، هاشم خواستار، فرزاد کمانگر، عبدالله مومني، جعفرابراهيمي، محمد داوري و...

2. مختومه شدن تمامي پرونده هايي که از سال 78 تاکنون در شعب مختلف دادگاه ها و دادرها برعليه فعالان صنفی تشکیل شده و اعاده تمامي حقوق تضییع شده آنان.

3. رفع محدودیت از فعالیت همه ي نهادهای مدني دانشجویان، حقوق زنان، کارگران، حقوقدان، روزنامه نگاران و... بویژه کانون ها ي صنفی معلمان سراسر کشور.

کانون صنفی معلمان ایران

13/7/88

نامزدی خانم شادی صدر برای دریافت جایزه ساخارف

خانم شادی صدر فعال حقوق بشر برای دریافت جایزه ساخارف که همه ساله از طرف پارلمان اروپا به یکی از فعالین حقوق بشر در سراسر دنیا اهدا می گردد، نامزد شده است. پارلمان اروپا در روز 6 اکتبر 3 نفر را از بین 10 نامزد به عنوان فینالیست انتخاب می کند.

نامه سرگشاده به اعضای پارلمان اروپا

جایزه ساخارف برای آزادی اندیشه 2009

نامزدی خانم شادی صدر از طرف ندا و شهروندان ایرانی که برای رعایت حقوق بشر تلاش می کنند

عضو محترم پارلمان اروپا

ما امضاکنندگان زیراعضا و حامیان جامعه مدنی ایران هستیم که به منظور بیان حمایت قاطع خود از نامزدی خانم شادی صدر برای دریافت جایزه ساخارف 2009 برای آزادی اندیشه این نامه را به شما می نویسیم. ما عمیقاً معتقدیم که او شایستگی دارد در میان این گروه

برجسته از رهبران و مبارزان قرار گیرد که به سبب مبارزات شان برای دفاع از حقوق بشر و آزادی های اساسی مورد احترام هستند. داستان خانم صدر هم غم انگیز و هم الهام بخش است. در ماه مارس 2007 او یکی از 33 زنی بود که به جرم اعتراض آرام برعلیه محاکمه نامشروع 5 زن با اتهاماتی دروغین و تنها به جرم استفاده از آزادی اساسی بیان، دستگیر شد. چندماه قبل خانم صدر در حالی که با دیگر فعالین زن به نماز جمعه می رفت یک بار دیگر دستگیر شد. هر دو دستگیری به روشنی برای خاموش کردن صدای او بود.

با وجود این و علیرغم این اعمال ارعاب آمیز، صدر در مبارزه اش برای حقوق اساسی بشر در ایران مصمم است. او به عنوان یک وکیل همیشه از زنانی که به مرگ محکوم شده اند، و یا فعالین و روزنامه نگارانی که رژیم در تلاش است با محاکمه و بستن اتهامات دروغین به آنان، صدای شان را خفه کند، دفاع کرده است. خانم صدر دفاع از حقوق زنان را سرلوحه کار خود قرار داده است. او اولین وب سایت در این زمینه را باز کرد و نقش فعالی در مبارزه برای "توقف سنگسار" ایفا نمود. این ها تنها چند مورد برجسته از کار او هستند، که بر زندگی بسیاری تاثیر داشته است. و مبارزه او کماکان ادامه دارد.

اما دلایل برای اهدای جایزه ساخارف به خانم صدر بسیار فراتر از تلاش های شجاعانه اوست. او به حق از جانب ندا آقاسلطان و تمام دیگر "شهروندان ایرانی که برای رعایت حقوق بشر تلاش می کنند" نامزد شده است. در واقع اهدای جایزه ساخارف به خانم صدر پیام حیاتی پشتیبانی و هم بستگی با مردم ایران در زمانی است که به آن نیاز دارند.

تابستان گذشته همه ما با خوش بینی بسیار دیدیم که شهروندان ایرانی از حق بنیادی بیان سیاسی مخالفت خود با چیزی که بسیاری آن را تقلب انتخاباتی می دانستند، استفاده کردند. با این وجود طولی نکشید که این امیدواری با وحشیانه ترین سرکوب اعتراضات توسط دولت ایران، سرویس های امنیتی و نیروهای شبه نظامی بسیج بر باد رفت. تصاویر تکان دهنده بودند؛ و داستان های بعدی از جنایات، شکنجه و تجاوز حتی ترسناک تر از آن.

متأسفانه نقض حقوق بشر در تاریخ سی ساله جمهوری اسلامی ریشه دوانده است؛ همانند مبارزه برای دفاع از آن. با این وجود و علیرغم حضور نامزدهای ارزشمند در تاریخ 20 ساله جایزه ساخارف، هنوز هیچ ایرانی موفق به دریافت این جایزه نشده است. اکنون بیش از پیش مردم ایران نیازمند آن هستند که بدانند دنیا از مبارزات شان حمایت می کند.

کنوانسیون اروپا برای حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی،

اصولی از جمله حق زندگی؛ ممنوعیت شکنجه؛ حق آزادی و امنیت؛ حق محاکمه عادلانه؛ آزادی اندیشه، درک و مذهب؛ آزادی بیان و آزادی اجتماعات و گردهم آیی ها را مورد حمایت قرار می دهد. این ها ارزش های اساسی و جهانی هستند، نه صرفاً اروپایی.

خانم صدر صدای آزادی ایران است، و جایزه ساخارف او و تمام کسانی که برای این آزادی مبارزه می کنند را دلگرم می سازد که صدای شان شنیده می شود.

با احترام
امضا کنندگان

خبر فوری : آذیر قرمز در تهران !

سپتامبر 29, 2009

روز شنبه سپاه سیستم جدید ارسال پرازیت خود را با قدرت بالای 1 گیگاهرتز در تهران تست میکند

خبرهای موثق رسیده از یکی از کارمندان شرکت مخابراتی صا ایران (وابسته به سپاه) حاکی از آن است که سیستم مجهز روسی ارسال پرازیت که اغلب در جنگ های مدرن الکترونیک برای اختلال در رادارها استفاده می شود با تغییرات غیر استاندارد صا ایران به قدرت بالایی برای ارسال امواج دست یافته است . در این سیستم اسیلاتورهای در پهنای باند مایکروویو استفاده شده که تمامی کانال های ماهواره ای را دچار اختلال میکند قدرت باندهای ارسال شده بالاتر از قدرت امواج مایکروویو یعنی از 1 تا چند گیگا هرتز است ! که اثرات سوء برای بدن انسان و موجودات زنده دارد . از بین رفتن تعادل دمایی بدن، برای انسان مرگ آور است و بیشتر از یک بمب اتمی برای افراد خطرناک است . یادآور میشود که این کارمند صا ایران درباره مضرات این امواج و جلوگیری از آسیبهای مرگ آور که منجر به سرطانهای خونی و هورمونی (عقیم شدن) انسان میشود . اعلام کرد که این تست از ساعت 11 صبح روز شنبه قرار است در یکی از مناطق جنوبی

تهران که محل دقیق آن به ما هنوز اعلام نشده به مدت 15 ساعت انجام میشود . که تنها راه جلوگیری از عوارض این تشعشعات خروج از منطقه تست یعنی جنوب شهر است .
ارسال شده توسط vataneyhasteaman

از دیشب تهران تبدیل به یک مایکروویو بزرگ شد !

گذشته با نصب چندین آنتن و تقویت سیگنالهای HI POWER پرازیت تقریباً کلیه کانالهای فارسی زبان ماهواره ای غیر از VOA در مناطق مرکزی ، شمال و شمال غرب تهران عملاً از دسترس خارج شدند . این تحرکات که پیش تر و بعد از وقوع کودتا و وقایع پس از آن با شدت کمتری از سوی سپاه آغاز شده بود حال تنها با گذشت یک روز از خرید شرکت مخابرات توسط سپاه ، مجدداً آغاز گردیده است . کارشناسان یکی از دلایل این امر را محبوبیت فوق العاده کانال فارسی زبان "فارسی1" و تاثیر آن بر کاهش چشمگیر مخاطبان صدا و سیما به عنوان اهرم جریان ساز نظام میدانند . شدت این امواج به حدی است که در صورتی که در فاصله نزدیک به آنتنهای ارسال پرازیت برای مدت طولانی تکه ای گوشت یا مرغ قرار گیرد ، پخته میشود . به نظر میرسد که با توجه به آثار سوء این امواج که در دراز مدت باعث ایجاد انواع ناراحتیهای پوستی ، سرطان و خون میگردد ، تنها مسئله ای که کوچکترین اهمیتی برای دست اندرکاران این تهاجم الکترونیک ندارد ، جان و سلامت شهروندان تهران است .